



محمد خوانساری

پیش‌تاز
در عرصه
منطق صوری

حسن سیدعرب



استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد خوانساری در ۱۳۰۰ش در اصفهان بدنیا آمد. اجداد ایشان اهل خوانسار بوده‌اند و از آنجا به دهکرد (شهرکرد فعلی) و اصفهان رفته‌اند. ایشان فرزند مرحوم مبرور محمد حسن از افراد بسیار متقی و وارسته عهد خود بوده است. او تحصیلات مقدماتی را از مکتبخانه‌های اصفهان و مدارس علمیه نزد استادان آن ایام آغاز کرد. بعدها در دو دانشسرای عالی اصفهان و تهران نزد استادانی همچون جلال‌الدین همایی و محمدتقی مدرس رضوی و رضا رضازاده شفق و ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال آشتیانی و محمد معین و یحیی مهدوی و علی‌اکبر سیاسی و غلامحسین صدیقی و بدرالدین کتابی کسب علم کرد. اما بیش از همه از محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین فاضل تونی (رحمه‌الله) بهره برده است. پس از اخذ لیسانس فلسفه و علوم تربیتی ابتدا به عنوان مسئول آزمایشگاه روانشناسی مشغول به کار شد و سپس در دانشگاه تهران به تدریس روانشناسی و عربی و فلسفه و منطق پرداخت. در کنار تدریس در رشته ادبیات فارسی نیز تحصیل کرد و موفق به اخذ درجه دکترا در آن رشته شد. در ۱۳۳۷ش برای تکمیل مطالعات خود به فرانسه رفت و عالی‌ترین درجه دکترا را در منطق کلاسیک دریافت کرد و پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد روانشناسی و علوم تربیتی و ادبیات عرب و منطق در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. استاد دکتر محمد خوانساری در ۱۳۸۵ش به عنوان چهره برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی معرفی شد.^۱

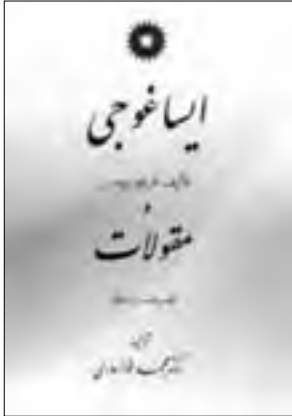
آثار ایشان عبارت است از:

کتاب‌ها

۱. صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب، چ ۱۵، انتشارات ناهید.
۲. مختارات من الادب الحدیث، با همکاری مرحوم دکتر محمد خزائی، انتشارات علمی، تهران ۱۳۴۳.
۳. منطق صوری (جلد اول)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
۴. منطق صوری (جلد دوم)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲. این کتاب اینک در یک مجلد در انتشارات آگاه به چاپ می‌رسد و به چاپ بیست و ششم رسیده است.
۵. فرهنگ اصطلاحات منطقی (به انضمام واژه‌نامه فرانسه و انگلیسی)، چ ۲، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران ۱۳۷۶. برخی از مباحث این کتاب به حسب اهمیت و ضرورت به نحو مستوفی و یکجا مطرح شده، مانند مبحث معرف و قضایای موجهه و اعراض ذاتی و تقابل در مفردات و در قضایا و چند مبحث دیگر دارای عنوان‌های فرعی بوده و آنها به صورت الفبایی در مدخل‌ها ذکر شده و به محلی که در این اثر عنوان شده با ذکر صفحه ارجاع داده شده است. معادل انگلیسی و فرانسه مدخل‌های نیز آورده شده است.^۲
۶. ترجمه ایساغوجی، تألیف فرفوروس و مقولات تصنیف ارسطو، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۴. برگزیده بیست‌ودومین دوره کتاب سال
۷. ترجمه متن عربی ایقازا النائین از آثار ملاصدرا و ترجمه آن به فارسی با مقدمه‌ای مبسوط و توضیح، بنیاد اسلامی حکمت ملاصدرا (دردست چاپ).
۸. منطق برای دبیرستان‌ها که هم اکنون کتاب درسی است.

مقالات

۱. روانشناسی آزمایشی، مجله سخن، س ۷، ش ۷، مهر ۱۳۳۵.
۲. نقد کتاب تبصره ساوی و دو رساله دیگر، راهنمای کتاب، س ۱، ش ۲، تابستان ۱۳۳۷.



۳. توضیح درباره کلمه هستی (در شعر سعدی) و کلمه سائر، مجله یغما، ۱۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۳۷.
۴. نقد ترجمه کتاب سیاست ارسطو، راهنمای کتاب، س ۲، ش ۱، بهار ۱۳۳۸.
۵. ترجمه احوال مرحوم فاضل تونی، مجله دانشکده ادبیات، س ۹، ش ۳.
۶. نقد کتاب از کوچه زندان، راهنمای کتاب، س ۱۴، ش ۱ تا ۳، فروردین و خرداد ۱۳۵۰.
۷. فروید، مجله روانشناسی، س ۱، ش ۳، بهمن ۱۳۵۰.
۸. منطق از نظر غزالی، مجموعه سخنرانی‌ها انتشارات انجمن فلسفه و علوم انسانی، ش ۴، ۱۳۵۲.
۹. یونگ، مجله روانپزشکی، س ۵، ش ۴، مهر و آبان ۱۳۵۲.
۱۰. تخم مرغ حصن حصین، راهنمای کتاب، ش ۷ تا ۹، مهر و آذر ۱۳۵۰.
۱۱. عقده کائن، مجله روانشناسی، س ۳، ش ۳، آذر ۱۳۵۲؛ ماهنامه آموزش و پرورش، دوره چهل و چهارم، ش ۶ اسفند ۱۳۵۳.

۱۲. Ghagali et le mic'yar al,ilm در کتاب منطق و مباحث الفاظ، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه

مک‌گیل ۱۳۵۳.

۱۳. چند نکته درباره چهار مقاله عروضی، مجله دانشکده ادبیات، یادنامه فروزانفر، س ۲۲، ش ۱، بهار ۱۳۵۴.
۱۴. انسان‌شناسی مولانا، بررسی‌هایی درباره مولوی، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، خرداد ۱۳۵۴.
۱۵. رابعه، سوخته عشق و درد، مجله فرهنگ و زندگی، ش ۱۹ و ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۵۴.
۱۶. الهیات از نظر ابن‌سینا، مجله فلسفه، ش ۳، بهار ۱۳۵۶.
۱۷. ادب نفس در آثار ابن‌سینا، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های هزاره ابن‌سینا، یونسکو، نشریه ۴۳، ۱۳۵۹.
۱۸. مقاصد الفلاسفه، مجله نشر دانش، ش ۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۹.
۱۹. موقف غزالی در برابر فلسفه و منطق، مجله معارف، ش ۲، آذر و اسفند ۱۳۶۳.
۲۰. منطق و روش تدریس آن، مجله رشد، آموزش معارف اسلامی، س ۱، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۶۷.
۲۱. مقدمه بر مجموعه مقالات بدرالدین کتایی، مؤسسه انتشارات نوین، ۱۳۶۷.
۲۲. ترجمه مقاله «خدا» در کتاب بحث در مابعدالطبیعه ژان وال، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۰.
۲۳. مولانا در پیشگاه مقام رسالت، در مجموعه هدایای به آقای دکتر سید جعفر شهیدی، طرح نو، ۱۳۷۴.
۲۴. تقسیم بندی الفاظ در منطق، نامه فرهنگستان، س ۲، ش ۱، بهار ۱۳۷۵.
۲۵. نقد کتاب جوامع الحکایات، مجله معارف، دوره ۱۳، ش ۲، شماره مسلسل ۳۸.
۲۶. روانشناسی ابوسعید ابوالخیر، مجموعه مقالات سمینار ابوسعید ابوالخیر، انتشارات بین‌المللی هدی، ۱۳۷۸.
۲۷. افضل‌الدین کاشانی، کتاب حدیث اندیشه، گردآورده عبدالله نصری، شروش، ۱۳۷۹.
۲۸. بی‌آغاز و بی‌انجام بودن منطوق، نامه فرهنگستان، دوره پنجم، ش ۱، اردیبهشت ۱۳۸۰.
۲۹. عرفان صدرالمآلهین، مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا، ج ۲، ۱۳۸۰.

۳۰. اتهام تناقض درونی به نظام فکری ارسطویی، مجله فلسفه،

ش ۳ و ۲، ۱۳۸۰.

۳۱. مقولات ارسطویی، خردنامه صدرا، ش ۳۱، بهار ۱۳۸۲.

۳۲. ملاحظاتی در باب کیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی،

نشر دانش، ۱۳۸۲، ش ۳.

به نظر دکتر خوانساری در منطق به طور کلی با معقولات ثانی مواجه هستیم. به نظر ایشان این معقولات ثانیه ذهنی محض و معقول صرف‌اند و بر خلاف معقولات اولیه (= کلیات طبیعی) مصداقی در خارج ندارند، مثل انسان و اسب و آهن و... که همه کلی طبیعی هستند دارای افراد خارجی عینی‌اند. به گفته دکتر خوانساری از این روست که منطق ضرورت می‌یابد خصوصاً اصطلاحات و تعبیّرات منطقی در بسیاری از علوم و فنون

بکار می‌رود، مثل متداول بودن آنها در فلسفه اسلامی. بنابراین بدون داشتن تصویری صریح و روشن از معانی آنها، فهم آثار فلسفی میسر نخواهد بود.^۴

استاد خوانساری در واقع بنیانگذار شیوه آموزش نوین منطق قدیم و ادبیات عرب در پنجاه سال اخیر در ایران

استاد خوانساری در واقع بنیانگذار

شیوه آموزش نوین منطق قدیم و ادبیات عرب

در پنجاه سال اخیر در ایران محسوب می‌شود.

آنچه این ادعا را تأیید می‌کند آن است که

اغلب نوشته‌های ایشان خصوصاً در این دو زمینه

در دانشگاه‌های کشور

تدریس می‌شود.

محسوب می‌شود. آنچه این ادعا را تأیید می‌کند آن است که اغلب نوشته‌های ایشان خصوصاً در این دو زمینه در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود. این که نوشته‌های ایشان در زمینه منطق و ادبیات عرب توانسته چنین جایگاهی را به خود اختصاص دهد، مسبوق به آشنایی بسیار عمیق و تخصصی استاد با علم روان‌شناسی و تعمق در میراث عقلی و نقلی ایران و اسلام است. ایشان در این زمینه از آخرین مهارت‌های علمی و عملی در زمینه تعلیم و تربیت بهره برده و در واقع بر آن اساس توانسته آثار سترگ و درسنامه‌های بسیار مهمی را در حوزه‌های مختلف معرفتی به دانشگاه‌های کشور و مراکز آموزش عالی عرضه کند که هر یک در نوع خود بی‌نظیر و یا کم‌نظیر است. وی برای نیل به این جایگاه رفیع علمی و پژوهشی در حوزه منطق و ادبیات عرب از منابع دیگری نیز بهره می‌برد و آن این است که ایشان در ابداع روش تعلیمی جدید خود در حوزه علوم عقلی و نقلی نه تنها به عنوان مؤلف، بلکه به عنوان طالب علمی بوده‌اند که سال‌های مدید از عمر خود خصوصاً عهد شباب را در قرائت این منابع نزد استادان بزرگ این عصر که نام برخی از آنها در این نوشته نقل شده، اشتغال داشته‌اند که این مزیت نه تنها از ایشان عالمی دقیق و عمیق ساخته، بلکه به حسب کسب تجربه‌های بسیار زیاد از آن عهد توانسته مشکلات آموزشی و تعلیمی متون قدیم را به خوبی شناخته و در تألیف منابع گران‌سنگ خود آنها را بررسی و آسیب‌شناسی کند. این دو امتیاز در میان معاصران کمتر به چشم می‌خورد که جمع آن دو در استاد خوانساری گویای فضل و دقت ایشان در علوم مختلف است.

از دیگر امتیازهای استاد خوانساری آن است که با آخرین روش تحقیق، در تألیف و پژوهش آشناست. این ویژگی در مجموع نوشته‌های تألیفی و تصحیحی ایشان به چشم می‌خورد. دقت بسیار در گزینش منابع و کیفیت بهره‌وری از آنها و همچنین اتخاذ دقت در شیوه‌های استناد و ارجاع موجب گردیده آثار منتشر شده ایشان از اعتبار علمی قابل توجهی نزد اهل علم و دانش برخوردار باشد. از آن جمله می‌توان به ترجمه رساله ایساغوجی و مقولات و تألیف منطق صوری و فرهنگ اصطلاحات منطقی در میان آثار استاد خوانساری اشاره کرد که حائز چنین ویژگی‌هایی است. ایشان در ترجمه آن دو رساله همانند مترجمان نخستین آنها از سربانی به عربی چنان تهذیب و دقتی را اتخاذ کرده که حیرت‌انگیز است. این دو نوشته در واقع از مهمترین دستاوردهای علمی استاد خوانساری محسوب می‌شود و در راستای ترجمه متون کهن فلسفه به مثابه ترجمه معیار می‌توان آن را تلقی کرد. با این همه نمی‌توان نقش ایشان را در رویکرد عقلی به فلسفه در سی سال اخیر در ایران نادیده گرفت. زیرا مجموع نوشته‌های استاد دقیقاً در این دوره به منزله منابع درسی مورد نظر دانش پژوهان قرار گرفت و توانست تأثیر قابل توجهی در سیر صعودی توجه به علوم معقول در کشور بگذارد.

نکته بسیار مهم درباره استاد که برهمگان آشکار است، حسن خلق و اخلاق کریمانه ایشان است. برای این جانب که درس حاشیه ایشان را درک کرده‌ام کمال افتخار است که بگویم در ایام تدریس این متن مهم منطقی در سال ۱۳۶۴ش در انجمن حکمت و فلسفه در تهران شاگردان بسیاری به درس ایشان حاضر می‌شدند که با تمام فروتنی و خضوع پرسش‌های یک یک آنها را پاسخ می‌گفت و برای آنها نه تنها استادی گران‌قدر و عزیز، بلکه پدری بزرگوار و دلسوز بود. شیوه درس استاد به دو شیوه سنتی و نو بود، بدین معنا که متن را می‌خواندند و سپس از مسائل جزئی متن شروع به توضیح و شرح می‌کردند، به گونه‌ای که مبتدیان و متوسطان و منتهمیان فرمایشات ایشان را به خوبی می‌فهمیدند. گاه اتفاق می‌افتاد که درس همان روز را مرور می‌کردم. اما برخی از مطالب آن برایم مبهم مانده بود، درحالی‌که همان مطالب در جلسه درس استاد خوانساری به راحتی تفهیم شده بود و بعدها همه دوستان آن درس متفق‌القول بودند که شیوه تدریس استاد خوانساری از اعجاز قابل توجهی در تفهیم مطالب برخوردار است. در حقیقت این شیوه بیان استاد بود که موجب گردیده بود مطالب درس حاشیه برای همه شرکت‌کنندگان قابل فهم شود. به هر حال استاد خوانساری قدر و منزلت والایی دارند که جامعه علمی ما باید قدردان زحمات و کوشش‌های علمی ایشان باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نورائی نژاد، فاطمه، گفت‌وگو با دکتر محمد خوانساری، فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۶۸ (زمستان ۱۳۸۶ش)، صص ۹۶-۹۵؛ حسن حبیبی، جشن‌نامه استاد دکتر محمد خوانساری، تهران، ۱۳۸۴ش، ص ۲۱.
۲. محمد خوانساری، فرهنگ اصطلاحات منطقی، تهران، ۱۳۷۶ ش، مقدمه ص پنج.
۳. حسن حبیبی، جشن‌نامه استاد دکتر محمد خوانساری، تهران، ۱۳۸۴ش، صص ۱۱-۱۳.
۴. محمد خوانساری، فرهنگ اصطلاحات منطقی، تهران، ۱۳۷۶ ش، مقدمه، ص هشت و نه.

با این همه نمی‌توان
نقش ایشان را
در رویکرد عقلی
به فلسفه
در سی سال اخیر
در ایران
نادیده گرفت.
زیرا مجموع
نوشته‌های استاد
دقیقاً در این دوره
به منزله منابع درسی
مورد نظر
دانش پژوهان
قرار گرفت و
توانست تأثیر
قابل توجهی
در سیر صعودی
توجه به علوم معقول
در کشور
بگذارد.